

بررسی مناسبات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در دوران پهلوی با سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)

عیسی مولوی وردنجانی^۱ و داود فیض‌افرا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

چکیده

با تشکیل اسرائیل غاصب در فلسطین و ایجاد سازمان امنیتی برای انجام عملیات‌های اطلاعاتی - امنیتی در کشورهای ضدصهیونیستی، موساد تبحر خاصی در امور اطلاعاتی - امنیتی کسب نمود. از سوی دیگر رژیم پهلوی که بدنبال تقویت و سازماندهی سازمان امنیتی خود بود، بیش از پیش این ضعف را احساس می‌نمود و این درحالی بود که حوادث منطقه نیز، منافع دو رژیم ایران و اسرائیل را مورد تهدید قرار می‌داد. بر اساس بررسی اسناد باقی‌مانده از ساواک، مقاله حاضر در تلاش است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که سازمان‌های امنیتی اسرائیل و ایران چه ارتباطی با یکدیگر داشتند و اصولاً روی‌آوری موساد به ساواک بر اساس چه اهدافی بوده و این روی‌آوری چه پیامدهایی داشته است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که موساد براساس برنامه‌ها و اهداف تعیین‌شده از سوی اسرائیل، سلسله فعالیت‌های اطلاعاتی را در ایران و در کشورهای منطقه در پوشش ساواک به ثمر می‌رسانده است؛ افزون بر این که از حضور و موقعیت یهودیان ایران در جهت اهداف اطلاعاتی خود بهره می‌بردند. رویکرد روش‌شناسانه تحقیق، تبیین و تحلیل داده‌های قطعی تاریخی است که بر اساس آن، اسناد، خاطرات مسئولین رژیم و تألیفات مربوط به ساواک، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: ساواک، موساد، حکومت پهلوی، تاریخ معاصر.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): مولوی وردنجانی، عیسی و داود فیض‌افرا (۱۳۹۷)، زمستان. «بررسی مناسبات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در دوران پهلوی با سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال اول، شماره چهارم. صص ۵۲۸-۵۱۳.

^۱ دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. molavi131@gmail.com

^۲ عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران. Feizafra@chmail.ir

۱. مقدمه

روابط ایران و اسرائیل مخصوصاً ارتباط سرویس‌های امنیتی این دو کشور از جنبه‌های گوناگون قابل مطالعه است. نکته قابل توجه در تاریخ روابط رژیم پهلوی و دولت اسرائیل این است که دامنه‌ی مناسبات آن‌ها به سرعت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌ی امنیتی، گسترش یافت. عامل وحدت‌بخش منافع دستگاه پهلوی و اسرائیل، مبارزه و رویارویی با فرهنگ و دنیای اسلام بود؛ چرا که از یک‌سو رژیم پهلوی در ایران در دو دهه‌ی آخر حیاتش سیاست ضد دینی خود را تشدید نمود و از سوی دیگر اسرائیل به‌خاطر اشغال فلسطین با تمام کشورهای عربی و اسلامی به مقابله برخاست. به این خاطر متحدی چون ایران که از جامعه‌ی اسلامی برخوردار بود، می‌توانست از فشارهای دنیای اسلام علیه اسرائیل فرو کاهد و منجر به خارج شدن اسرائیل از انزوا در منطقه گردد.

در مورد روابط ایران با سایر کشورهای استعماری، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ اما تحقیقات پیرامون روابط ایران با اسرائیل بسیار محدود می‌باشد. البته این محدودیت به خاطر نبود داده‌های اطلاعاتی است که بسیاری موضوعات در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته‌اند. هم‌چنین باید اذعان داشت که در میان تحقیقات محدودی که در خصوص روابط ایران و اسرائیل بیان شده، تبعاً مناسبات سرویس‌های اطلاعاتی این دو رژیم (ساواک-موساد) نیز به مراتب کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به این جهت، نیاز است به این موضوع اهتمام بیش‌تری گردد و ابعاد ناپیدای آن مورد تحقیق قرار گیرد. افزون بر این که در سال‌هایی اخیر برخی از سران و دولت‌مردان اسرائیل که با ایران ارتباط داشتند، اقدام به تألیف و انتشار آثاری نمودند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به خاطرات «مئیر عزری» اشاره داشت که به‌عنوان نماینده رژیم غاصب اسرائیل در ایران فعالیت می‌کرد. این کتاب‌ها و خاطرات بسیار هوشمندانه تنظیم شده و با اهداف صهیونیستی کاملاً هماهنگ است. به این خاطر کاوش در این موضوع از اهمیت دوچندان برخوردار است.

از جمله دیگر کتاب‌هایی که در این حوزه تدوین شده است، کتاب «ساواک شاگرد موساد» اثر موزه عبرت ایران است. این کتاب در حوزه آموزش ساواک توسط موساد، اسنادی را ذکر کرده که اثری در خور می‌باشد؛ اما اسناد به‌صورت خام و بدون تحلیل محتوای آن‌ها ارائه شده‌اند.

کتاب دیگر «امپراطوری وحشت؛ ساواک از آغاز تا فرجام ۱۳۳۵-۱۳۵۷» اثری از دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان است که در ارتباط ساواک و موساد ضمن بیان چند صفحه‌ای آن‌هم با استناد به خاطرات فردوست مطلب دیگری را بیان نداشته است؛ البته رسالت این کتاب تنها پرداختن به این موضوع نبوده و تنها به مناسبت، مباحثی را مطرح کرده است.

اثر دیگر کتاب «مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم» نوشته علی فلاح‌نژاد است. علی‌رغم با ارزش بودن اثر، اما محتوا با عنوان تناسب ندارد چراکه عنوان حاکی از همکاری‌های ایران و اسرائیل در تمامی جوانب می‌باشد؛ اما نویسنده تنها به زمینه‌های راهبردی-امنیتی و مسائل

اقتصادی پرداخته که دلالت بر ضعف چارچوب کتاب می‌کند (ر.ک: فلاح‌نژاد، ۱۳۸۱). همچنین می‌توان به کتاب «ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی» نوشته محمدتقی تقی‌پور اشاره داشت که ضمن قوت کتاب، اما در خصوص مناسبات موساد با ساواک به موضوعی مستقل پرداخته است. (ر.ک: تقی‌پور، ۱۳۹۰). تنها کتاب‌هایی که در این زمینه تدوین شده‌اند، کتاب «ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل» نوشته عبدالرحمن احمدی و منتشر شده توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است.

در تحقیق حاضر کوشش شده است با اتکا به اسناد و مدارک ارائه شده، گوشه‌ای از روابط ناپیدا و پیچیده موساد و ساواک، مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه آشنایی با ابعاد همکاری سرویس امنیتی ایران و اسرائیل و میزان حضور اعضای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در ساواک، تکاپوی صهیونیستی در ایران دوران پهلوی دوم و کشورهای اسلامی را برای مخاطبان تبیین می‌سازد.

نفوذ اسرائیل در ایران زمان شاه، نفوذی همه جانبه و بلکه سلطه‌ای بی‌بدیل بود. اما قطعاً هیچ بخشی از این نفوذ به اندازه‌ی نفوذ و سلطه بر تشکیلات ساواک، مهم و برای صهیونیست‌ها ارزشمند نبود؛ چراکه ساواک، یعنی ابزار سلطه بر تمامی کشور، به این جهت مسئله مقاله حاضر بررسی مناسبات دو سازمان امنیتی ایران دوران پهلوی و اسرائیل می‌باشد و مقاله حاضر تلاشی در جهت روشن‌گری تاریخی پیرامون عملکرد دو سازمان اسرائیل غاصب و ایران دوران پهلوی در حوزه امنیت است. بی‌تردید پرداختن به تمام ابعاد آشکار و پنهان ساواک و موساد، نیاز به تألیفی گسترده دارد که در این چارچوب نمی‌گنجد.

به نظر می‌رسد سازمان امنیتی ایران که در دهه ۱۳۴۰ ه.ش. به مثابه‌ی یک همکار و به عبارتی بهتر، بخشی از سازمان امنیتی موساد در خاورمیانه که تأمین کننده‌ی اهداف اسرائیل می‌باشد، به فعالیت در منطقه می‌پردازد و آن‌چنان از ساواک بهره‌برداری می‌کند که پژوهشگران، ساواک را مولود سازمان اطلاعاتی اسرائیل می‌دانند.

به نظر می‌رسد روابط ایران و اسرائیل در مورد مسائل امنیتی افزون بر این که در حاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ از شاخصه‌های خاصی برخوردار است. به عبارتی، اسرائیل جهت همکاری خود با ایران در مسائل امنیتی، استراتژی و اهداف خاصی را در پوشش ساواک دنبال می‌کند که تنها منافع اسرائیل را تأمین می‌نماید.

۲. رسالت ساواک

ضعف اطلاعاتی ایران دوران پهلوی دوم از سابقه‌ای طولانی برخوردار بود. در حالی که کشورهای چون شوروی و آمریکا با سازماندهی نیروهای امنیتی به دستاوردهای اطلاعاتی - امنیتی

بالایی رسیده بودند. با تزلزل پایه‌های رژیم پهلوی در نهضت ملی شدن صنعت نفت، آمریکا که از دیرباز مترصد فرصتی جهت نفوذ در ایران و جایگزینی انگلیس بود، با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شرایط را مهیا نمود و اقدام به تشکیل سازمان اطلاعاتی در ایران کرد؛ چراکه در دوران پس از رضاشاه، در ایران، نه پلیس مخفی قوی فعالیت می‌کرد و نه ارتشی منسجم وجود داشت تا بتوان با اتکا به چنین ارتشی بر مشکلات فایز آمد. از سویی نیز وجود سرویس‌های اطلاعاتی روس‌ها و کشف آن‌ها، شاه را به این فکر انداخت تا با ایجاد سازمانی اطلاعاتی بتواند از نفوذ جاسوسان سایر کشورها جلوگیری نماید (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۲: ۹۴ و ۹۵).

با چنین مقصودی با هدایت امریکا، ساواک ساختاری مانند سیا و F.B.I را به‌خود گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد؛ تا به حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه زیان‌آور علیه منافع عمومی اقدام نماید. اختیار چنین تشکیلاتی نظیر سازمان‌هایی که در زمان داریوش به‌عنوان «چشم و گوش شاه» خدمت می‌کردند، بسیار وسیع بود (زونیس، ۱۳۷۰: ۱۶۵). وظیفه‌ی اصلی چنین نیرویی، حمایت از شاه، از طریق کشف و ریشه‌کن ساختن افرادی که با حکومت مخالف بودند و اطلاع دادن از وضعیت مردم به شاه بود (شوکران، ۱۳۷۱: ۱۹۷-۱۹۸). به این خاطر، رژیم جهت نیل به مقصود خود و کارایی بهتر، مأموران ساواک را برای آموزش به موساد و سیا فرستاد.

۳. روابط نظامی ساواک و موساد:

ارتباط نظامی ساواک و موساد در حوزه مسائل آموزشی، تجهیزات و اعزام کارشناس در مورد جنگ‌افزارها و برخی موارد امنیتی بود:

۳-۱. اقدامات آموزشی:

از جمله عوامل پیشرفت نظام در حوزه‌های اطلاعاتی امنیتی، آموزش می‌باشد. بدون وجود تجربه علمی و عملی، بکارگیری نیروی امنیتی با معضلات بسیاری روبرو خواهد شد. در زمانی که پاکروان ریاست ساواک را بر عهده داشت، مربیان اسرائیلی در عرصه‌ی آموزش به بدنه ساواک وارد شدند که حضور آن‌ها برای این امر تا اوایل سال ۱۳۵۰ ادامه داشت (فردوست، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۴۳۳-۴۳۴). این دوره، یعنی دهه ۱۳۴۰ را می‌بایست دهه‌ی آموزش و سازماندهی ساواک به دست سازمان امنیتی اسرائیل دانست.

در واقع پس از برکناری تیمور بختیار از ریاست ساواک، محمدرضا شاه به فکر بازسازی ساواک افتاد و برای نیل به این مقصود پاکروان را به ریاست سازمان امنیتی کشور و فردوست را که دوستی دیرینه‌ای با شاه داشت به‌عنوان قائم مقامی ساواک معرفی نمود (فردوست، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۴۰۸). البته

انتخاب این دو نفر به خاطر این که در موضوع فلسطین اتفاق نظر نیز داشتند بی تأثیر نبود. وظیفه فردوست در تشکیلات ساواک، تنها بازسازی و آموزش نیروها بود، بدون این که بخواهد با ریاست سازمان، مشورتی کند (زونیس، ۱۳۷۰: ۲۵۴). البته به اذعان خود فردوست محدودیت‌هایی نیز داشت، مانند این که حق ورود در عملیات‌ها را ندارد و از جزئیات عملیات‌ها مطلع نمی‌شود (فردوست، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۴۰۸). تا قبل از دورانی که فردوست به قائم‌مقامی ساواک برسد، آموزش نیروهای امنیتی عمدتاً در اختیار مستشاران آمریکایی بود؛ البته برخی نیروها جهت آموزش تخصصی به بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی و ... می‌رفتند؛ اما پس از آن که فردوست روی کار آمد؛ با تحقیق و بررسی فعالیت نیروهای آمریکا در امر آموزش، به این نتیجه رسید که عملکرد سیا ضعیف بوده، (فردوست، ۱۳۷۱: ۴۱۳/۱-۴۲۰) به این خاطر در صدد نیروی جایگزین بر آمد. جهت این منظور تشکیلات موساد مناسب به نظر می‌آمد هرچند که این سازمان تازه تأسیس بود؛ اما به خاطر حضور یهودیان در سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مختلف، علاوه بر این که با روش‌های گوناگون اطلاعاتی کشورهای دیگر آشنایی داشتند، از تجربه بالایی نیز برخوردار بودند. حتی انگلیس در سیاست‌های استعماری خود در ایران دوره قاجار سعی می‌کرد از جاسوسان یهودی بهره ببرد (بی- نام، ۱۳۵۳: ۶). فردوست در مورد قدرت اطلاعاتی موساد می‌گوید:

«... تشکیلات اطلاعاتی اسرائیل بسیار قوی است، زیرا برخی افراد یهودی در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی در مشاغل حساس اطلاعاتی شاغل بوده‌اند. لذا به کمک نیمرودی آموزش ساواک را سازماندهی دادم» (فردوست، ۱۳۷۱: ۴۴۲/۱-۴۴۳).

سازمان اطلاعاتی اسرائیل افزون بر این که مهارت فوق‌العاده‌ای داشتند؛ از روابط نزدیکی با سایر تشکیلات جاسوسی کشورها بهره می‌بردند؛ به گونه‌ای که رهبری سازمان‌های جاسوسی دنیا را می‌توان اسرائیلی خطاب کرد. شاهد بر این مدعا می‌توان به «جیمز انگلتون» قدرتمندترین و مرموزترین چهره «سیا» که از ایشان به‌عنوان «سر جاسوس» یاد می‌شود و معاون و رئیس ضد جاسوسی سازمان سیا نیز می‌باشد، اشاره کرد. ایشان با تشکیلات موساد آن‌چنان ارتباط نزدیک داشت که از وی به‌عنوان «عامل اسرائیلی‌ها» یاد می‌کنند (کاکبورن، ۱۳۷۱: ۷۲). هم‌چنین «پیتر رایت» از افسران اطلاعاتی عالی رتبه و جاسوس انگلیس از تبحر و خلاقیت «ویکتور روتشیلد» در موضوعات مختلف و نوع ارتباطش با شاه ایران مخصوصاً امور اطلاعاتی و امنیتی در خاورمیانه به صورت شگفت‌انگیز تعجب می‌کند (رایت، ۱۳۷۴: ۱۸۵-۱۸۶؛ ۵۳۶).

از سوی دیگر، سازمان‌های جاسوسی کشورهای مختلف، اهمیت خاصی برای نیروهای اطلاعاتی اسرائیل قائل بودند، حتی در برخی موارد جهت حفظ نیروهای اطلاعاتی اسرائیل نیروی خود را فدا می‌کردند (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۲: ۲۴۲).

چنین تبحر و نفوذی در سازمان اطلاعاتی اسرائیل می‌توانست به سازمان امنیتی ایران کمک نماید و نیروهای اطلاعاتی ایران را به سرویس‌های جاسوسی جهان متصل کند. به این جهت

فردوست برای جایگزینی نیروهای آمریکائی به سمت اسرائیل رفت. البته این نکته نیز قابل اهمیت بود که نیروهای امنیتی اسرائیل جهت انجام عملیات‌های اطلاعاتی خود در خاورمیانه نیازمند پوشش‌هایی مانند ایران که به‌عنوان کشوری اسلامی شناخته می‌شد، بودند تا در لوای آن بتوانند به اهداف خود نایل آیند. و اساساً پایه استراتژی «محورهای پیرامون» که دیوید بن‌گورین اولین نخست‌وزیر اسرائیل طراح آن بود، می‌بایست با کشور ایران و چند کشور دیگر به تحکیم روابط پیروازد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۱۱-۴۱۲). به این خاطر، آموزش ساواک برای اسرائیل فرصتی استثنائی بود تا به استحکام روابط خود و نفوذ در منطقه پیروازد. گرچه منافعی هم‌چون محافظت محمدرضا شاه که باعث می‌شد شکل‌گیری هرگونه جنبش و نهضتی را در نطفه از بین ببرد و از سوی دیگر تقویت نقش ژاندرامی شاه در منطقه بود را برای اسرائیل در بر داشت (فردوست، ۱۳۷۱: ۳۸۲/۱-۳۸۳).

البته این رابطه، نیاز ضروری حضور قدرتمندانه آمریکا در ایران و منطقه خاورمیانه بود. چراکه سیا به جد در نظر داشت با گسترش روابط ساواک و موساد، بسیاری از مسئولیت‌های اطلاعاتی - امنیتی و جاسوسی در ایران و منطقه خاورمیانه را به این دو سرویس بسپارد. چون‌که با گسترش روابط موساد و ساواک، کمر بند امنیتی آمریکا در برابر شوروی در منطقه استراتژیک خاورمیانه، استحکام بیش‌تری می‌یافت.

به این خاطر اسرائیلی‌ها حاضر بودند هرگونه خدماتی را به ایران ارائه دهند که دیگر کشورها از جمله سرویس‌های آمریکایی حاضر به ارائه‌ی آن نبودند (گازاریوسکی، ب ۱۳۷۱: ۲۱۳). البته همکاری با موساد برای شاه ایران نیز از جذابیت خاصی برخوردار گردید. فردوست در خاطرات خود به برتری آموزش موساد اذعان دارد و می‌نویسد:

«استادان اسرائیلی با خود کتب و مدارک آموزشی مربوطه را نیز می‌آوردند و این کاری بود که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نکردند و ساواک قبلاً از این حیث در مضیقه‌ی جدی بود. این کتب ترجمه می‌شد و از لحاظ نظم و تدریس کمک مؤثری بود. اساتیدی که از اسرائیل آمدند ... همه اساتیدی برجسته بودند» (فردوست، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۴۳۸-۴۵۱).

۲-۳. اعزام کارشناس و نماینده:

موساد در خصوص آموزش نیروهای امنیتی در حوزه‌های مختلف کارشناس به ایران اعزام نمود. از جمله موضوعاتی که اسرائیل کارشناس فرستاد در حوزه «تعقیب و مراقبت»، «ضد شورشگری و امنیتی»، «خط شناسی»، «بازجویی» و ... بود که با همکاری یعقوب نیمرودی، یک تیم اطلاعاتی به بهانه چنین آموزش‌هایی به ایران اعزام شد. هم‌چنین از سوی دیگر، گروهی از نظامیان به اسرائیل اعزام شدند تا بوسیله‌ی موساد در اسرائیل آموزش ببینند (مدنی، ۱۳۸۹: ج ۲/ ۲۱۹-۲۲۰).

یکی از کسانی که در گسترش روابط سیاسی و اطلاعاتی بین ایران و اسرائیل نقش تعیین کننده داشت، «مئیر عزری» نماینده دولت اسرائیل در ایران بود. عزری فردی یهودی ایرانی تبار بود که در سال ۱۳۲۸ با چند نفر یهودیان ایرانی به اسرائیل مهاجرت کردند. ایشان به‌عنوان اولین نماینده سیاسی اسرائیل در ایران شناخته شده است و نقش اصلی را در برقراری روابط بین دو کشور و انجام ملاقات‌های طرفین ایفا می‌کرد؛ حتی با ایجاد ارتباط صمیمانه با مسئولین سیاسی ایران از جمله سپهبد «حاجیعلی کیا» رئیس اداره اطلاعات ارتش، دکتر «منوچهر اقبال» نخست وزیر وقت، «عباس آرام» وزیر امور خارجه، ارتشبد «هدایت» رئیس ستاد ارتش و دیگران موفق شد اعتماد آن‌ها را به خود متوجه سازد و از این طریق ملاقات‌هایی بین مقامات عالی‌رتبه اسرائیل با شاه ایران برقرار سازد که نتیجه‌ی چنین فعالیت‌هایی، افتتاح دفتر نمایندگی سیاسی ایران در تل‌آویو بود. اما به خاطر حساسیت کشورهای عربی و اعتقادات مردم ایران، شاه «جرات نکرد روابط خود را با اسرائیل رسمی کند» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۲۸۶-۲۸۷).

عزری آن چنان در دربار ایران نفوذ نمود که نشان «درجه دوم تاج» به ایشان اعطا گردید. اسدالله علم در خاطراتش می‌نویسد که: «عزری، نماینده اسرائیل در تهران نشان درجه دوم تاج اعطا شده است. شاه به من دستور داد که تاریخ فرمان همراه نشان را به پیش از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل تغییر دهم». (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۱۵) تا بخاطر چنین نشانی بین اعراب و ایران کدورتی صورت نگیرد.

«یعقوب نیمرودی» از دیگر یهودیان ایرانی تبار بود که مانند عزری در تحکیم روابط بین دو کشور مخصوصاً در زمینه اطلاعاتی بسیار فعالیت می‌کرد و سال‌ها به‌عنوان نماینده آژانس یهود در تهران و وابسته نظامی اسرائیل در ایران اقامت داشت و مورد توجه شخص شاه بود. حسین فردوست در خاطراتش نیمرودی را بهترین مأمور اطلاعاتی اسرائیل و مورد توجه اعلی‌حضرت می‌داند که تأکید بر همکاری ساواک با ایشان داشت (فردوست، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۲۶۶-۲۶۷).

متأثر از فعالیت‌های نیمرودی و مئیر عزری و سایر دیپلمات‌های اسرائیلی در ایران، سفرها و ملاقات‌های مهمی در دهه چهل و پنجاه ه.ش. بین دو کشور صورت گرفت. بازدید «گلدامایر» و «مناخیم‌بگین» نخست‌وزیر اسرائیل از ایران و سفرهای «اسحاق رابین»، ژنرال «عزر وازمن»، «آبا ابان» و «شیمون پرز» به تهران و ملاقات آن‌ها با شاه به رغم تمام احتیاط‌هایی که شاه در پنهان ساختن روابط می‌کرد؛ بیانگر روابط بسیار صمیمانه بین طرفین بود.

با توجه به آماری که مطبوعات اروپایی در سال ۱۳۵۶ انتشار دادند، حدود پانزده هزار نظامی ایرانی مشغول آموزش در اسرائیل بودند و تقریباً تمامی فرماندهان عالی‌رتبه ارتش ایران به اسرائیل سفر کردند. سپهبد حاجیعلی کیا رئیس اداره اطلاعات ارتش دو بار به اسرائیل سفر کرد و با اشخاصی از جمله «بن‌گورین»، «هرزوغ»، «لاسکوف» و سران دیگر اسرائیل ملاقات نمود. ایشان در روابط نظامی ایران و اسرائیل نقش مهمی را ایفا نمود. متقابل چنین سفرهایی ژنرال هرزوغ،

رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل در تیرماه ۱۳۴۰ به تهران آمد و با محمدرضا شاه، ارتشبد عبدالله هدایت رئیس ستاد ارتش، نخست‌وزیر و رئیس ساواک ملاقات نمود و به تحکیم روابط دوجانبه بین دو کشور پرداخت (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۱۶).

ورود شخصیت‌های اسرائیلی در ایران روز به روز بیش‌تر می‌گردید. سفر «آل شویمر» رئیس صنایع هواپیماسازی و «زوی‌دار» رئیس صنایع نظامی اسرائیل به ایران، ملاقات ژنرال «زوی‌تور» رئیس ستاد ارتش اسرائیل با شاه و ارتشبد عبدالحسین حجازی رئیس ستاد و فرماندهان نیروی هوایی و دریایی، هم‌چنین دیدار ژنرال «هارون یاریف» رئیس جدید اطلاعات ارتش اسرائیل از ایران، ملاقات ژنرال عزروایمن رئیس ستاد ارتش اسرائیل با شاه و مقامات عالی‌رتبه ایران، شیمون پرز وزیر دفاع اسرائیل به همراه آل شویمر و اورهام بن یوسف معاون وزارت دفاع اسرائیل در تهران با سران ایران ملاقات کردند که دیدار پرز از ایران به انعقاد شش قرارداد نظامی بین دو کشور منتهی شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۴۵۶). حضور این‌گونه نمایندگان اسرائیلی به ایران، پیامد دوران سیطره موساد بر ساواک بود.

۳-۳. تجهیزات:

سازمان امنیتی ایران بسیاری از وسایل خود را در زمینه‌های مختلف از اسرائیل خریداری می‌کرد و در سال‌های اولیه شکل‌گیری ساواک، ضمن تشکیل کمیته مشترک اطلاعاتی ایران و اسرائیل، توافق شد:

«سرویس اسرائیل، برای تکمیل وسایل ارتباطی مأمورین سرویس ایران، حاضر است هرگونه وسایل از قبیل بی‌سیم، مرکب نامرئی، وسایل عکاسی، مخفی‌کردن پیام و غیره در اختیار سرویس ایران بگذارد و طرز بکار بردن آن‌ها را نیز تعلیم دهد. سرویس ایران صورت نیازمندی‌های خود را تهیه و به سرویس اسرائیل خواهد داد» (گزارش ساواک، ش: ۱۳۳۹).

فروش تجهیزات امنیتی به ایران توسط اسرائیل، منجر شد تا تجهیزات اسرائیلی در حوزه‌ی نظامی نیز به ایران روانه شود. ارتشبد طوفانیان معاون تسلیحاتی وزارت جنگ چندین مرتبه به‌عنوان رابط به اسرائیل مسافرت کرد و چندین معامله تسلیحاتی با اسرائیل انجام داد. به‌طور مثال در فروردین ماه سال ۱۳۴۴، به دستور شاه تعداد زیادی مسلسل دستی یوزی برای افراد گارد شهربانی توسط ایشان از اسرائیل خریداری شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۳۰). در کل می‌توان اذعان داشت همکاری بین دو طرف منجر به انعقاد چندین قرارداد گردید، قرارداد خرید موشک‌های زمین به زمین با برد ۴۵۰ کیلومتر به مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار؛ قرارداد خرید خمپاره اندازه‌های سنگین ۱۲۰ و ۱۶۰ میلیمتری به مبلغ سه میلیون دلار؛ قرارداد تعمیر ۳۵ فروند هواپیمای جنگنده اف ۱۶ ایران به مبلغ سه میلیون دلار؛ قرارداد خرید مسلسل دستی یوزی برای پرسنل شهربانی و گارد شاهنشاهی در

فروردین ۱۳۴۴؛ قرارداد مربوط به اداره تجهیزات الکترونیکی ارتش ایران و تعلیم پرسنل نیروی زمینی با سلاح‌های الکترونیک؛ و ... (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۳۸۵-۳۸۷).

با تمام استقبالی که هر دو کشور از یکدیگر جهت همکاری می‌کردند؛ اما اصل اولیه بیگانگان در نوع رفتارشان با کشورهای به اصطلاح جهان سوم، هم‌چنان حاکم بود و آن حفظ و استمرار وابستگی کشورهای نیازمند به خود بود. اسرائیل اگر چه تسلیحات نظامی و تجهیزات امنیتی را به ایران گسیل داشت؛ اما به صورت ناقص و عاری از قطعات تکمیلی به ایران ارسال می‌کرد و یا عملکرد آن را به نیروهای امنیتی ایران آموزش نمی‌دادند.

« ... در مورد دستگاه‌های اشعه ایکس پیشنهاد می‌شود متخصصین اسرائیلی همراه دستگاه‌های خریداری شده به تهران آمده و حضوراً نحوه کار آن‌ها و هم‌چنین تعمیرات لازم را شرح دهند» (گزارش ساواک، ش: ۵۰۱/۱۰۴۴۱).

۴. همکاری اطلاعاتی - امنیتی ساواک و موساد:

باتوجه به این که آمریکا در منطقه با کشور شوروی در رقابت بود، تمرکز سازمان سیا بر روی اقدامات «ک.گ.ب» و گسترش کمونیسم در منطقه بود. به این جهت، نیاز اساسی حکومت پهلوی به یک تشکیلات جهت جمع‌آوری اطلاعات بود تا ضمن حفظ امنیت داخلی، اقدام به عملیات‌های ضدجاسوسی نماید. به این خاطر موساد با تجاری که در این زمینه داشت همکاری خوبی برای رژیم ایران قلمداد می‌شد. در راستای این همکاری، تیمور بختیار به پاریس رفت و ضمن ملاقات با «یعقوب تسور» سفیر اسرائیل پیشنهاد مبادلات اطلاعات امنیتی را ارائه کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۰۹-۴۱۰). این ملاقات مورد توجه بن‌گورین نخست‌وزیر اسرائیل قرار گرفت و منجر شد چند ماه بعد نیز ملاقاتی با ایسرهازل رئیس سابق موساد انجام داد که در این ملاقات هارل، فردی به نام یعقوب کاروز رئیس ایستگاه موساد در پاریس را به بختیار معرفی نمود که ضمن چند ملاقات وی به تهران دعوت شد (نجاری راد، ۱۳۸۱: ۶۲). پس از چند ملاقات و رایزنی توسط نمایندگان دو کشور، شاه به بن‌گورین نخست‌وزیر اسرائیل پیام داد که برای گسترش هر چه بیش‌تر روابط اطلاعاتی - امنیتی دو کشور از کانال موساد و ساواک آمادگی تام دارد و مایل است روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف مخصوصاً امنیتی، ارتقاء یابد. به دنبال این تحولات، دکتر «زوی دوریل» به نمایندگی از اتاق بازرگانی اسرائیل وارد تهران شد تا دفتری در تهران افتتاح نماید و این مقدمه ای برای ورود مؤثر عزری - یهودی ایرانی‌الاصل - به ایران و افتتاح نمایندگی غیررسمی سیاسی اسرائیل در تهران شد.

عزری که حدود هشت سال پیش، از ایران به اسرائیل مهاجرت کرده بود، پس از ورود به تهران ملاقات‌های رؤسا و مدیران ساواک و موساد برای آغاز رسمی همکاری اطلاعاتی - امنیتی در روز

دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۳۹ صورت گرفت. سپهبد تیمور بختیار رئیس ساواک به همراه سرتیپ حسن پاکروان و سرتیپ علوی کیا قائم مقام ساواک، با ایسرها رل رئیس موساد و کاروز از مقامات درجه اول موساد ملاقات کرده و برای گسترش روابط اطلاعاتی - امنیتی به توافق رسیدند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۳۶۴-۳۶۸).

پیروزی جانسون در انتخابات آمریکا و روی کار آمدن حزب کارگر در انگلستان و همچنین تغییر در رهبری شوروی از یک سو، و از سوی دیگر اوضاع آشفته عراق و نامشخص بودن رهبری آینده عراق، اغتشاشات سوریه توسط «ترک‌های جوان» و رهبری سوریه توسط ژنرال صلاح و غلطیدن سوریه در دامن شوروی، ایجاد سازمان آزادی‌بخش فلسطین با رهبری «احمد شقیری» در بیت‌المقدس که منجر به ایجاد روابط با انقلابیون مذهبی و چپ‌گرایان مخالف شاه گردید، شکل‌گیری ناآرامی‌ها در اردن و به مخاطره افتادن رژیم ملک حسین در عربستان که مورد نگرانی دو جانبه آباابان «معاون نخست‌وزیر اسرائیل» و عباس آرام «وزیر امور خارجه ایران» بود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۳۸۱-۳۸۵)، و حوادثی دیگر از جمله ناآرامی‌های داخلی ایران نیز باعث گردید تا اشتیاق رژیم پهلوی بر گسترش این رابطه و همکاری بیش از حد موساد و ساواک جهت بقای رژیم افزوده گردد.

در واقع آغاز همکاری‌های بین دو رژیم از اوایل سال ۱۳۳۶ آغاز شد و ایران در صدد بود با استفاده از تجربیات موساد در منطقه خاورمیانه و در مقابله با شوروی و مسلمانان آزادی‌خواه که با حکومت پهلوی ستیز دارند برخورد نماید. همین تفکر منجر گردید همکاری دو رژیم تقویت گردد که با برپایی همایش‌های مشترک و انتقال تجارب موساد به ساواک و خرید سیستم‌های فنی و ...، این ارتباط رونق گیرد (موزه عبرت ایران، ۱۳۸۹: ۱۲). به گونه‌ای که حتی برخی نیروهای ساواک، مانند مدیر کل امنیت داخلی ساواک، جذب موساد شدند (دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان، ۱۳۹۲: ۱۳۳). میدان نفوذ عوامل اسرائیل در رژیم پهلوی آن چنان گسترده بود که ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکایی در ایران می‌نویسد:

«شاید مطلع‌ترین همکاران خارجی من در تهران که کمتر به چشم می‌خورند، نماینده سیاسی اسرائیل در تهران بود... دیپلمات‌های اسرائیلی در تهران به شبکه اطلاعاتی وسیعی در ایران دسترسی داشتند که نظیر آن در اختیار هیچ کشوری نبود.» (ویلیام و پارسونز، ۱۳۷۲: ۴۳)

ژنرال خوفی رئیس موساد به نصیری رئیس ساواک می‌گوید:

«ایران نزدیک‌ترین کشور به ماست و این امر را همیشه در نظر داریم» (موزه عبرت ایران،

۱۳۸۹: ۱).

روابط نزدیکی که بین موساد و ساواک به وجود آمد ناشی از درک عمیق این حقیقت بود که ایران و اسرائیل در منطقه با خطر جدی روبرو بودند که همکاری این دو سازمان در مواجهه با چنین

خطری از اهمیت خاصی برخوردار شد. غفلت از جریانات و رویدادهای منطقه برای موساد و ساواک می‌توانست مصیبت‌بارتر باشد و بنابراین داشتن تماس‌های مداوم ساواک و موساد برای تضمین امنیت و ثبات دو کشور، امری حیاتی به شمار می‌رفت (موزه عبرت ایران، ۱۳۸۹: ۱۴).

۵. بهره‌برداری موساد از ساواک

روابط امنیتی ایران و اسرائیل عملاً از سال ۱۳۳۹ در همه‌ی زمینه‌ها آغاز گردید که در این زمان گروهی از افسران اطلاعاتی موساد برای آموزش افراد ساواک وارد ایران شدند و این دوره به گفته «گازاریوسکی» ایران و اسرائیل به عملیات جاسوسی علیه کشورها و سازمان‌های تندرو عرب در سراسر خاورمیانه رو آوردند. ساواک و موساد هم‌چنین عملیات گردآوری اطلاعات را در شهر آبادان آغاز کردند و با استفاده از نیروهای نفوذی خود، اطلاعات مورد نظر را از داخل عراق جمع‌آوری می‌کردند (گازاریوسکی، الف ۱۳۷۱: ۲۶۹).

در واقع نفوذ در سازمان‌هایی که علیه اسرائیل فعالیت می‌کردند برای این رژیم بسیار مهم بود. با توجه به عدم ایجاد حساسیت حضور نیروهای اسرائیلی، تلاش گردید از نیروی جایگزین استفاده شود. به این خاطر ساواک از قابلیت‌های خاصی برخوردار بود از جمله موقعیت جغرافیایی، حضور در منطقه، سرسپردگی و مطیع بودن رژیم از اسرائیل، ساختار تجهیزات پیشرفته خریداری شده از اسرائیل، توانایی نیروهای ایرانی بخاطر آموزش توسط نیروهای اسرائیل و ...؛ چنین ویژگی‌هایی منجر شد تا اسرائیل برای دستیابی به اهدافش در منطقه از نیروهای ساواک بهره‌برداری کند.

آن‌چه از اسناد برجای مانده و مدارک موجود به دست می‌آید، سرویس‌های موساد در ایران از آزادی عمل و فعالیت‌های گسترده‌ی اطلاعاتی برخوردار بودند. در حالی که نماینده‌ی ساواک در اسرائیل به ندرت امکان می‌یافت از منابعی غیر از آن‌چه مراجع رسمی اطلاعاتی موساد در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند بهره برد؛ حتی نمایندگان ساواک در اسرائیل، برای ارسال اخبار و اطلاعاتی که پایگاه‌های خود موساد در اختیار آن‌ها گذاشته بودند دچار محدودیت بودند و توسط موساد کنترل می‌شد و مهم‌تر آن‌که محتوای اطلاعاتی که در اختیار ساواک قرار می‌گرفت و می‌بایست سری باشد، ابتدا در روزنامه‌های اسرائیلی منتشر می‌شد و سپس به نیروهای ساواک ارائه می‌گردید (شاهدی، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۲۵۵).

روابط ساواک و موساد در خصوص مباحث امنیتی، حکایت از آن دارد که سازمان امنیتی ایران بیش‌تر نقش تابعیت از دستورات موساد را ایفا نموده است تا همکاری و تبادل اطلاعات؛ چراکه با توجه به اسناد منتشر شده و گزارشات متبادله، تنها به نظر می‌رسد ساواک، مورد بهره‌برداری موساد قرار داشته و هیچ‌گونه تبادل اطلاعاتی در میان نبوده است؛ بلکه آن‌چه به وقوع پیوسته تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات از منطقه، توسط ساواک برای سازمان امنیتی اسرائیل بوده است. این‌گونه سوء

استفاده از ایران، بخشی از فعالیت‌های اسرائیل در ایران است. در حالی که حقیقت را باید از گفته یعقوب نیمرودی به‌عنوان نماینده موساد در ایران دریافت نمود که بیان داشت:

«اگر یک روز به تو اجازه دهند از کارهایی که ما در تهران انجام داده‌ایم آگاه شوی، از آن چه می‌شنوی وحشت خواهی کرد، حتی نمی‌توانی آن‌را تصور کنی» (کاکپورن، ۱۳۷۱: ۱۶۶).

چنین بهره‌برداری از نیروهای سازمان امنیتی ایران در «طرح کریستال»^۱ کاملاً نمایان است؛ چراکه بارها نیروهای ساواک هشدار می‌دادند که مأموران بکارگرفته شده از سوی اسرائیل توجه چندانی به نیازهای اطلاعاتی ساواک نشان نمی‌دهند و اخبار و اطلاعات ارائه شده از سوی آن‌ها، در راستای اهداف امنیتی موساد می‌باشد. هم‌چنین می‌توان به اطلاعاتی که ساواک در جنگ‌های سال ۱۹۶۷م و ۱۹۷۳م اعراب و اسرائیل ارائه داد استناد کرد (ر.ک: نجاری راد، ۱۳۸۱: ۱۲۴) که تنها در راستای تأمین امنیت اسرائیل، چنین اطلاعاتی ارائه گردید و تنها پیامد این عملیات برای ایران، عداوت و دشمنی اعراب با ایران بود. نمونه دیگر از این نوع سوء استفاده‌ها را می‌توان در اقدام به اصطلاح مشترک ساواک و موساد با سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) مشاهده نمود که این روابط سه جانبه با عنوان «نیزه سه سر» شهرت یافت که بیش‌ترین فعالیت و عملکرد این رابطه در تأمین امنیت اسرائیل رقم خورد (گازاریوسکی، الف ۱۳۷۱: ۲۷۰-۲۷۱).

بر اساس اسناد ساواک، محمدرضا شاه موافقت نموده بود که موساد در هر جای کشور به ویژه در بخش‌های غربی و جنوبی کشور، چند پایگاه مستقل جاسوسی - اطلاعاتی ایجاد نماید و با همکاری ساواک بر ضد کشورهای اسلامی، اقدام به جاسوسی گردد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۳). به این خاطر عناصر موساد در شمال کشور، آشکارا پایگاه جاسوسی به راه انداختند تا اطلاعاتی از درون رژیم مارکسیستی شوروی به دست آورند و در جنوب نیز به بهانه کشف تحرکات سیاسی - نظامی رژیم بعث عراق به ایجاد پایگاه اطلاعاتی - جاسوسی پرداختند (دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان، ۱۳۹۲: ۱۳۵ و ۱۳۶).

سازمان جاسوسی موساد برای انجام عملیات تروریستی علیه شوروی و سایر کشورهای منطقه از ساواک و موقعیت استراتژیکی ایران بهره بسیاری می‌برد. چنین موضوعی با رجوع به اسناد ساواک کاملاً محرز می‌گردد که موساد برای چنین عملیاتی‌هایی از رئیس سازمان امنیتی ایران درخواست نیرو جهت آموزش و انجام این‌گونه عملیات‌ها می‌نماید (ر.ک: اسناد ساواک، ۱۳۵۴/۱/۱۴).

^۱. با شکل‌گیری اسرائیل و شناسایی دوفاکتو اسرائیل از سوی محمدرضا شاه، ایران در رقابت با کشورهای عرب موضع جدی اتخاذ نمود. پس از چند سال از حضور موساد در ایران، اسرائیل در صدد برآمد با همکاری ساواک فعالیت مشترک انجام‌یافته‌ای بر ضد اهداف اطلاعاتی جاسوسی کشورهای عربی مخالف اسرائیل آغاز نماید. بدین ترتیب مقدمات فعالیت مشترک موساد و ساواک در طرح کریستال مهیا گردید که بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی، از عراق تا مصر، اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی، کویت، امیرنشینان حاشیه خلیج فارس و ... را شامل می‌شد (مظفر شاهی، ساواک-سازمان اطلاعات امنیت کشور (۱۳۳۵-۱۳۵۷)، ص ۲۴۴-۲۴۵).

رژیم صهیونیستی در ابتدا از طریق برخی سازمان‌های صهیونیستی مستقر در ایران و هم‌چنین از ناحیه‌ی بعضی از انجمن‌های یهودی ایرانی تحت نفوذ و سیطره مجامع صهیونیستی، اهداف و مطامع خود را در ایران تعقیب می‌کرد با شکل‌گیری ساواک و ارتباط و همکاری این سازمان با موساد و ایجاد ارتباط رسمی با حکومت پهلوی از طریق موساد، شرایط و موقعیت برای اسرائیل بیش از پیش آسان و مهیا گردید؛ چراکه ارتباط رژیم اسرائیل با ایران دیگر منحصر در زمینه سیاسی نبود؛ بلکه در ابعاد امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، صنعتی، نظامی و فرهنگی نیز این روابط رو به گسترش و توسعه نهاد (تقی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۲).

اسرائیل دارای سه پایگاه برون مرزی در ایران بود در خوزستان، ایلام و کردستان، این پایگاه‌های در محلی مستقر بودند که ساواک نیز در همان محل مستقر بودند. هدف پایگاه‌های برون مرزی اسرائیل، کشورهای عربی بود (تقی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۵). پس از سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ این پایگاه‌ها تعطیل شدند و اسرائیل که توانسته بود نیروهایی از کشورهای منطقه را جهت اهدافش سازماندهی کند و از سوی دیگر اسرائیلی‌ها با پرداخت رشوه‌های کلان مقامات و سران دستگاه اطلاعات و امنیت ایران را کاملاً در خدمت منافع صهیونیسم قرار داده بودند. و برخی را نیز با آموزش‌هایی که داده بودند توانسته بودند اهدافشان را در منطقه بوسیله آن‌ها حاصل کنند (برگر، بی‌تا: ۲۶)؛ به این خاطر دیگر نیازی به این پایگاه‌ها نبود.

۶. نتیجه:

ساواک به‌عنوان سازمانی که به‌وسلیه‌ی نیروهای امنیتی آمریکا در ایران به وجود آمد، ابزاری در دست استعمار گردید؛ تا علاوه بر حفظ حاکمیت محمدرضا و چپاول منافع ایران، بتواند در منطقه به عملیات‌های جاسوسی اقدام نمایند. به این منظور جهت بکارگیری بیش‌تر نیروهای امنیتی ایران، از طریق سازمان امنیتی اسرائیل به آموزش آن‌ها پرداختند؛ البته حوادث بین‌المللی و منطقه‌ای در روابط اسرائیل و ایران بسیار تأثیر گذاشت؛ چراکه جریان اسلام‌گرای ایران و منطقه بر علیه هر دو رژیم اقدام به مبارزه نموده بود.

روابط موساد و ساواک در حوزه امنیتی، شامل اقدامات آموزشی، اعزام کارشناسان دولت‌ها به عنوان نماینده به کشورهای یکدیگر، فروش تجهیزات، همکاری اطلاعاتی و ... می‌شد. در بحث آموزشی ساواک به آموزش نیروهای ایرانی در حوزه جمع‌آوری اطلاعات، تعقیب و مراقبت، ضد شورشگری و امنیتی، خط‌شناسی، بازجویی و ... اقدام نمود و آموزش‌هایی به نیروهای ساواک دادند که تا آن زمان هیچ کشوری حاضر به ارائه چنین آموزشی نبود.

ارتباط دیگر موساد و ساواک در مورد اعزام کارشناسان به کشورهای یکدیگر بود. در این حوزه یعقوب نیمرودی و مؤیر عزری از چهره‌های پر نفوذی که در دربار ایران داشتند، توانستند گام‌های

مثبتی جهت منافع اسرائیل بردارند. چنین نفوذی منجر به قراردادهای تسلیحاتی بسیاری با ایران شد که تسلیحات زیادی به ایران فروخته شد؛ البته چون ساواک طریق استفاده از آن‌ها را نمی‌دانست اغلب آن‌ها بی‌فایده ماند و برخی قطعات را به‌صورت مجزا به استان‌های مختلف می‌فرستادند تا ایران نتواند از آن‌ها استفاده نماید.

در مورد همکاری اطلاعاتی باید گفت تمام آموزش‌هایی که موساد به سازمان امنیتی ایران داده بود و حتی تجهیزاتی که به ایران فروخته بودند برای عملیات‌های امنیتی-اطلاعاتی در منطقه به خدمت می‌گرفت و طی دوران ده ساله توانست با آموزش و مطیع ساختن مقامات ایرانی، آن‌ها را به خدمت موساد در آورد و خودشان منطقه را ترک کنند. بنابر این موساد با نفوذ در دربار و به خدمت گرفتن ساواک، توانست نبض حاکمیت ایران را در دوران پهلوی در اختیار گیرد و طرح‌ها و عملیات-های خود را در سطح منطقه به‌وسیله‌ی ساواک به ثمر رساند. پیامد چنین ارتباطی تنها دشمنی کشورهای منطقه را برای شاه ایران در بر داشت و منجر به نفرت از محمدرضا در جامعه ایران گردید.



منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷. تهران: نشر قومس.
- برگر، هارالد ایرن (بی‌تا). ساواک (دژخیم غرب). ترجمه سعید فرهودی، تهران: انتشارات توس.
- بی‌نام (۱۳۵۳). نقش اسرائیل در ایران؛ قراردادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی. تهران: انتشارات انقلاب.
- تقی‌پور، محمدتقی (۱۳۸۴). تکاپوی صهیونی در ایران معاصر. تهران: باشگاه اندیشه.
- (۱۳۹۰). ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی. تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی.
- دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان (۱۳۹۲). امپراتوری وحشت، ساواک؛ از آغاز تا فرجام. تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- رایت، پیتر (۱۳۷۴). شناسایی و شکار جاسوس، خاطرات یک کارمند ارشد ضد جاسوسی. ترجمه محسن اشرفی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۳.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰). شکست شاهانه؛ روانشناسی شخصیت شاه. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، آنتونی (۱۳۷۲). خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران. ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۶). ساواک؛ سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۳۵-۱۳۵۷. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شوکران، ویلیام (۱۳۷۱). آخرین سفر شاه، سرنوشت یک متحد آمریکا. عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ تهران: نشر البرز.
- فردوست، حسین (۱۳۷۱). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست). ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فلاح‌نژاد، علی (۱۳۸۱). مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاکبورن، اندرولسلی (۱۳۷۱). ارتباط خطرناک؛ (ناگفته رابطه پنهان ایالات متحده و اسرائیل). ترجمه محسن اشرفی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- گازاریوسکی، مارک (۱۳۷۱). دیپلماسی آمریکا و شاه. جلد الف، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنای دولتی دست نشانده در ایران. جلد ب، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- گزارش ساواک؛ سال ۱۳۳۹

گزارش ساواک؛ شماره ۵۰۱/۱۰۴۴۱؛ مورخ ۱۳۵۴/۱۰/۳۰

گزارش اسناد ساواک، ۱۳۵۴/۱/۱۴.

مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی معاصر ایران. ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

موزه عبرت ایران (۱۳۸۹). ساواک شاگرد موساد، اسناد منتشر نشده‌ای از آموزش‌های

سرویس‌های اسرائیل (موساد) به سرویس اطلاعاتی رژیم پهلوی (ساواک). تهران:

موزه عبرت ایران.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۷). ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل. تهران:

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نجاری راد، تقی (۱۳۸۱). همکاری ساواک و موساد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۳). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷ - ۱۳۰۰.

تهران: نشر البرز.

----- (۱۳۷۷). صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران. تهران: انتشارات علمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی